

برکارگیری سلاح های نامتعارف از منظر حقوق بین الملل کیفری و اسلام

تاریخ دریافت ۹۴/۱/۳ - تاریخ پذیرش ۹۴/۵/۱۷

ابوالفتح خالقی^۱

نعمت الله نبوی^۲

چکیده

جنایت جنگی، به عنوان یک رفتار مجرمانه‌ی بین‌المللی دارای مصادیق متعددی است که در اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی مورد جرم‌انگاری قرار گرفته‌اند. برخی از مصادیق این جنایت مربوط به کاربرد نوعی از تسلیحات می‌باشد که در یک مخاصمه‌ی بین‌المللی ممکن است مورد استفاده قرار گیرد. این دسته از سلاح‌ها به عنوان جنگ‌افزار غیر متعارف شامل اقسام متعددی از سلاح‌های شیمیایی، تسلیحات میکروبی، جنگ‌افزار هسته‌ای و مصادیقی از گلوله‌های انفجاری می‌باشند که سبب تحمیل درد و رنج بیهوده خواهند شد. جنایت به‌کارگیری سلاح‌های نامتعارف در زمره‌ی جرایم عمدی می‌باشد که در برخی اسناد بین‌المللی از جمله سند تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی پیش‌بینی شده‌اند. در جنایات عمدی مزبور ضرورت دارد که مرتکب علاوه بر تعدد در ارتکاب آن، نسبت به اوضاع و احوال محیط بر جنایت نیز آگاهی داشته باشد. از منظر فقه اسلام ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی در استفاده از ابزار جنگی وضع شده است. پیش‌بینی عدم مشروعیت به‌کارگیری برخی از ادوات نظامی به عنوان حکمی کلی که قابلیت تعمیم به مصادیق متعدد دارد، به منزله‌ی حکم اولیه است. از این رو برای ممنوعیت به‌کارگیری این نوع از سلاح‌ها همچنان که ممکن است به اسناد مختلف بین‌المللی استناد کرد، می‌توان به آموزه‌های اسلامی و احکام شریعت توسل جست؛ احکام و قواعدی که ناظر بر موازین حقوق بشر دوستانه می‌باشند. نتایج این بررسی که به شیوه‌ی تحلیلی - توصیفی صورت گرفته نشان می‌دهد مبنای نظری مورد قبول در منع و مجازات استفاده از تسلیحات نامتعارف مبتنی بر قواعد نسبتاً مشابه در شریعت اسلامی و نظام بین‌الملل کیفری است؛ قواعدی که منطبق بر منطق، شریعت عقلانی و مصالح جامعه‌ی بشری است.

واژگان کلیدی: جنایت جنگی، سلاح نامتعارف، کشتار جمعی، حقوق اسلام، حقوق بین‌الملل کیفری



۱. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه قم (نویسنده مسؤول) رایانامه:

ab-khaleghi@qom.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفی العالمیه



مقدمه

نگاهی به تاریخ حیات اجتماعی بشر، بیانگر وجود مخاصمات و جنگ‌های مسلحانه‌ی فراوانی است، چندان که سرشت زندگی اجتماعی بدون حضور نزاع و جنگ نبوده است. برای کنترل و جلوگیری از جنگ تلاش‌های زیادی در سطوح ملی و فراملی انجام شده است و مقرراتی هم در این زمینه به تصویب رسیده است. اولین کوشش در این راستا جلوگیری از وقوع نزاع‌های مسلحانه‌ی خونین است و اگر چنین تدبیری کارساز نیفتاد باید تلاش‌ها را بر کاهش آسیب‌های ناشی از جنگ متمرکز کرد. در همین راستا قوانین تلاش می‌کنند شیوه‌های جنگ و استفاده از جنگ افزار را در حد ضرورت‌های جنگ کاهش دهند. غلبه بر دشمن نباید سبب تجویز استفاده از هر روش و ابزار جنگی شود. از آنجا که غلبه بر دشمن و کسب پیروزی با کمترین هزینه و نه نابودی و تخریب مطلق، هدف نهایی در هر نبرد مسلحانه‌ای می‌باشد، شیوه‌ها و روش‌های جنگی نامحدود نبوده و نمی‌توانند شامل هر شیوه‌ای که تلفات غیر ضروری ایجاد می‌کند را در بر گیرند. (Green, 2010: 349)

جنایت جنگی از مواردی است که طرف‌های درگیر از ارتکاب آن منع و قابل پیگرد کیفری شناخته شده است. این جرم مصادیق فراوانی دارد که در ماده (۸) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بیان شده است. استفاده از سلاح‌های نامتعارف در مخاصمات بین‌المللی به عنوان یکی از مصادیق جنایت جنگی ممنوع شده است. به عنوان نمونه در بند (۲۰) این ماده مقرر شده است به کارگیری سلاح‌ها، پرتابه‌ها، مواد و روش‌های رزمی که به طور طبیعی سبب ایجاد جراحات اضافی یا درد غیرضروری شوند یا ذاتاً غیر قابل کنترل بوده و ناقض قوانین بین‌المللی منازعات مسلحانه باشند به کلی ممنوع اعلام شده است.





تحقیق حاضر با تمرکز بر رکن مادی این موضوع را از منظر حقوق بین‌الملل کیفری مورد مطالعه قرار داده است. سلاح‌های غیرمتمعارف را می‌توان در دو دسته‌ی کلی مورد مطالعه قرار داد، دسته‌ی اول شامل سلاح‌هایی است که دقت لازم در تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی ندارند و به عبارتی غیرتبعیض آمیز هستند. دسته‌ی دوم سلاح‌هایی هستند که به رغم تفکیک پذیری بین اهداف نظامی و غیرنظامی، به کارگیری آن‌ها سبب تحمل درد و رنج غیرضروری بر نظامیان می‌شود که از نظر اصول اخلاقی و حقوق بشردوستانه پذیرفتنی نیست. در همین راستا مطالب مقاله تحت سه بخش مبانی جرم‌انگاری تسلیحات نامتعارف (۱)، مصادیق تسلیحات غیر متمعارف (۲)، به کارگیری تسلیحات نامتعارف از منظر اسلام (۳) مورد مطالعه قرار گرفته است.

۱. مبانی جرم‌انگاری سلاح‌های نامتعارف

تشریح «مبانی جرم‌انگاری» بخشی از فلسفه‌ی حقوق و یکی از مسایل بنیادین در حوزه‌ی حقوق کیفری است که متضمن پاسخ‌های اساسی در مورد علت جرم دانستن برخی از رفتارها است. بدون تردید، تبیین مبانی جرم‌انگاری رفتارهای ممنوعه در قلمرو حقوق کیفری نقش مهمی در ایجاد باور به آن دارد و در نهایت موجبات پذیرش و مقبولیت آن‌ها را فراهم می‌آورد. «جرم‌انگاری»^۱ فرایندی است که به وسیله‌ی آن رفتارهای خاصی به موجب قوانین کیفری ممنوع و برای آن‌ها مجازات در نظر گرفته می‌شود. (نجفی ابرندآبادی و هاشمی بیگی، ۱۳۷۷: ۷۶)

مرحله‌ی «جرم‌انگاری» آخرین گام و همراه با بیش‌ترین الزام حقوقی در فرایند توسعه‌ی نظام‌های حقوق جزایی است (Bantekas, 2007: 18)؛ به این بیان که اقداماتی که مخل نظم اجتماعی و امنیت حیات جمعی و تهدیدکننده‌ی منافع جمعی به شدیدترین حالت هستند بایستی از سوی قانونگذار به عنوان یک جنایت شناخته شود و شدیدترین واکنش جمعی در قبال ارتکاب آن صورت پذیرد. از این رو قواعد مربوط به جرم‌انگاری





واجد دو ویژگی مهم هستند، اولاً تعیین کننده‌ی ویژگی‌های رفتاری هستند که جرم تلقی می‌شود؛ ثانیاً متضمن تعیین مجازات رفتارهای تشکیل دهنده‌ی هستند. این دو ویژگی در عرصه‌ی قواعد بین‌الملل کیفری مطرح بوده و در تبیین مفهوم جنایت بین‌المللی و احراز وجود قاعده‌ی کیفری بین‌المللی نقش اساسی دارند. (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۱: ۱)

جنگ به عنوان یک رفتار انسانی همواره با خشونت هم‌زاد است و تفکیک بین آن‌ها امکان‌پذیر نیست. با وجود این، مصلحان اجتماعی در تلاش‌های گوناگون کوشیده‌اند تا حد ممکن از آلام و بی‌رحمی‌های آن بکاهند. یکی از این کوشش‌ها ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های نامتعارف است که در اسناد تقنینی متعددی از نظام بین‌الملل مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

برای یافتن پاسخ و درک چرایی جرم‌انگاری چنین جنگ‌افزارهایی به طور گذرا به چند مورد از آنها اشاره می‌نمایم.

۱-۱. رضایت دولت‌ها

حقوق بین‌الملل کیفری، یکی از واحدهای حقوق بین‌الملل و نقاط عطف تاریخی که بر اثر آن حقوق بین‌الملل روند تحول فزاینده‌ای یافته است می‌باشد. ۲۴ اکتبر ۱۶۴۸، زمان انعقاد معاهدات صلح وستفالی می‌باشد. از مشخصات بارز حقوق بین‌الملل زاده‌ی معاهدات وستفالی این است که با مفهوم حاکمیت مطلق دولت‌ها پیوند وثیق خورده است. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۸: ۴۳) بنابراین جامعه‌ی بین‌المللی وستفالیایی، اجتماعی از واحدهایی است که واجد حاکمیت می‌باشند. این رویکرد وستفالیایی به حقوق بین‌الملل آثار خاصی به همراه دارد؛ در این رویکرد هیچ قدرتی فراتر از دولت وجود ندارد و در این چارچوب قواعد حقوق بین‌الملل اصولاً زمانی معتبر است که بخش عمده‌ای از دولت‌ها، خصوصاً دولت‌های بزرگ، در حوزه‌های مربوط به آن رضایت داده باشند.

اگر چه ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های نامتعارف اغلب مصادیق آن را در بر می‌گیرد، ولی جرم‌انگاری سلاح اتمی از این منظر با تردید روبه‌رو می‌شود، زیرا در اسناد مربوط به حقوق جنگ تصریحی بر منع استفاده از این تسلیحات وجود ندارد. (خالقی، ۱۳۹۴: ۱۷۲) به بیان دیگر در مهم‌ترین سند جنایی بین‌المللی که به تعیین مصادیق رفتارهای مجرمانه می





پردازد، اراده‌ی دولت‌ها به جرم‌انگاری و ممنوعیت کاربرد سلاح هسته‌ای تعلق نگرفته است. اگر چه آزمایش، تولید، گسترش و انباشت تسلیحات اتمی در سند جامع معاهده‌ی موسوم به^۱ (N.P.T) منع شده است و مؤکداً دولت‌های متعاقد از امور مزبور بر حذر داشته شده‌اند. همین عدم رضایت و توافق دول سبب شد تا در کنفرانس بازنگری معاهده‌ی منع تسلیحات هسته‌ای در سال ۲۰۱۰ توفیقی حاصل نشود. (Gillis, 2012: 24)

۲-۱. پارادایم بشردوستانه

حاکمیت دولت‌ها در برابر رویکرد بشری به حقوق بین‌الملل تا حدی تعدیل شده و از اقتدار انحصاری آن کاسته شده است. اقتضائات جامعه‌ی بین‌الملل امروزی همان‌هایی نیستند که جامعه‌ی اروپایی قرن هفده با آن مواجه بوده است. یکی از مهم‌ترین تحولات مزبور به جایگاه و نقش دولت‌ها در نظام حقوق بین‌المللی بر می‌گردد، چرا که حقوق بین‌الملل بازیگران دیگری نیز در کنار دولت‌ها پذیرفته است. در حوزه‌ی حقوق بین‌الملل کیفری، طبق اصول نورنبرگ مصونیت مقامات دولتی و استناد به قوانین دولتی در قبال ارتکاب جنایات بین‌المللی پذیرفته نشده است. دیوان بین‌المللی کیفری نظامی نورنبرگ مقرر می‌دارد در صورت تعارض قواعد بین‌المللی‌ای که از بشر حمایت می‌کنند با قوانین دولتی، باید قواعد دولتی کنار گذاشته شوند. (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۱: ۶۶) حقوق بین‌الملل امروزی این وضعیت مطرح شده در محکمه‌ی نورنبرگ را پذیرفته و مورد تأیید قرار داده است. بنابراین در حوزه‌ی جنایات جنگی اطاعت از قوانین داخلی قابل توجیه نیست. هم‌چنین بر اساس ماده (۲۷) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی سمت رسمی افراد در صلاحیت دیوان هیچ تأثیری ندارد.

بدون تردید، از منظر حقوق بشر استفاده از سلاح‌های نامتعارف در تقابل با کرامت قرار دارد و به کارگیری آنها سبب نقص قواعد حقوق بشردوستانه می‌شود، مانند حفاظت از جمعیت غیرنظامی و اموال آنها، تفکیک میان رزمنده و غیر رزمنده، ممنوعیت ایجاد درد و رنج بیهوده. در برخی موارد، نقص‌های حقوق بشری مزبور ممکن است نسل‌های آتی را



1. Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons (NPT)



نیز در برگیرد. در نهایت آنچه مسلم است این که اصول بشردوستانه‌ی حقوق درگیری‌های مسلحانه، از نظر گستره، عام‌الشمول و از جهت درجه‌ی اولویت و قدرت الزامی، در زمره‌ی قواعد آمره هستند. (ساعد، ۱۳۸۶: ۲۵۹)

از نگاه حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی، یک سلاح ممکن است به دو طریق ممنوع و غیرقانونی اعلام شود: اول با اتخاذ یک معاهده‌ی ممنوعیت ویژه، و دوم به خاطر استفاده‌ی مغایر با قواعد حقوق بشر دوستانه‌ی بین‌المللی در خارج از چارچوب معاهده. تفاوت میان این دو نوع جرم‌انگاری در این است که منع ناشی از یک «معاهده‌ی ممنوعیت ویژه» تنها برای کشورهایی که آن معاهده را تصویب کرده‌اند الزام‌آور است. اما سلاحی که از سوی قواعد حقوق بین‌الملل عام، و به طور مشخص قواعد حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، غیرقانونی قلمداد می‌شود، برای کلیه‌ی کشورها غیرقانونی است؛ حتی اگر معاهده‌ای خاص در این خصوص وجود نداشته باشد که تمامی کشورها آنرا تصویب کرده باشند. (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۱: ۶۶) از این رو، درباره‌ی ممنوعیت سلاح اتمی هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند.

۳-۱. حفظ نظم بین‌المللی

حفظ نظم عمومی در حوزه‌ی حقوق بین‌الملل کیفری مانند حوزه‌ی سیاست‌گذاری کیفری داخلی می‌تواند سبب جرم‌انگاری رفتارهایی شود که در تهافت با این نظم قرار دارند. اضافه می‌نماید با ارتکاب جنایت بین‌المللی علاوه بر نظم عمومی بین‌الملل، نظم داخلی نیز مختل خواهد شد. مجموعه‌ی ارزش‌های بنیادین موسوم به نظم عمومی غالباً در جوامع داخلی و جامعه‌ی بین‌الملل به شکل یکسانی وجود دارند، زیرا عدم رعایت و نقض هنجارهای بین‌المللی منجر به تزلزل و فرو پاشیدن نظمی خواهد شد که برای بقای جامعه بین‌المللی ضروری است. نظم عمومی مشتمل بر اصول و ارزش‌های لازم‌الاجرای است که برای جامعه‌ی بین‌المللی از چنان اهمیتی برخوردار است که هرگونه عمل متعارض با آن را فاقد آثار حقوقی می‌شناسد.





۲. مصادیق سلاح‌های نامتعارف

سلاح‌های نامتعارف دارای مصادیق متعدد و متنوعی است که هر کدام به تنهایی مورد مطالعه و ارزیابی قرار می‌گیرند.

۱-۲. سلاح‌های غیر دقیق یا کور

این دسته از جنگ‌افزارها دقت لازم و کافی برای اهداف تعیین شده را ندارند و به کارگیری آن‌ها می‌تواند از اهداف مورد نظر یا اهداف نظامی فراتر رفته و به اهداف غیرنظامی آسیب برسانند. استفاده از سلاح‌هایی که اثر غیر تبعیض آمیز دارند ممنوع است. نظام‌نامه‌ی نیروی هوایی آمریکا این نوع جنگ‌افزار را چنین توصیف می‌کند: «سلاح‌های کور کورانه، سلاح‌هایی هستند که به واسطه‌ی طراحی یا عملکرد خود قابل کنترل نبوده و از این رو نمی‌توان آن‌ها را با قطعیت علیه اهداف نظامی به کار گرفت». (دورمن، ۱۳۹۳: ۴۳۳)

ممنوعیت به کارگیری جنگ‌افزارهای کور را باید برخاسته از اساسی‌ترین اصول حقوق بشردوستانه، که در جهت حمایت از افراد و اهداف غیرنظامی، قائل به تفکیک شده است، دانست. دولت‌ها نباید غیرنظامیان را هدف حمله قرار دهند و متعاقباً نباید هرگز از سلاح‌هایی که قادر نیستند میان اهداف نظامی و غیرنظامی قائل به تفکیک شوند استفاده کنند. (دیپیم، ۱۳۸۴: ۴۴۲) فقرات (ب) و (ج) بند (۴) ماده (۵۱) پروتکل اول الحاقی ژنو ۱۹۷۷ ویژگی‌های جنگ‌افزارهای غیر دقیق را به این شرح بیان می‌کنند:

(ب) حملاتی که در آن . . . از وسیله‌ی جنگی‌ای استفاده می‌شود که نمی‌تواند علیه یک هدف مشخص نظامی به کار رود یا (ج) . . . حملاتی که در آن . . . از وسیله‌ی جنگی‌ای استفاده می‌شود که آثار آن را نمی‌توان طبق مقررات پروتکل حاضر محدود ساخت، و در نتیجه در هر مورد، ماهیت آن‌ها به گونه‌ای است که اهداف نظامی و غیرنظامی را بدون تفکیک مورد حمله قرار می‌دهد.

جنگ‌افزار غیر دقیق شامل ابزارهای جنگی متعددی می‌شود که هر کدام به طور جداگانه بررسی می‌شوند. این دسته از سلاح‌ها علاوه بر این ممکن است از ویژگی آسیب





رساندن و تحمل درد و رنج غیر ضروری نیز برخوردار باشند؛ ولی در این نوشتار جنبه‌ی غیر تبعیض آمیز بودن آن‌ها بیشتر مورد نظر است.

۲-۱-۱. جنگ افزار شیمیایی

در گزارشی از دبیرکل سازمان ملل که با همکاری جمعی از کارشناسان تهیه شده است تعریف سلاح شیمیایی^۱ شامل «تمام مواد شیمیایی خواه به صورت گاز، مایع یا جامد است که به خاطر اثرات سمی مستقیم روی انسان، حیوان و گیاه به کار گرفته می‌شود». (ممتاز، ۱۳۹۰: ۱۵) جنگ‌افزارهای شیمیایی دارای آثار و عوارض غیرقابل پیش‌بینی هستند و در برابر آنها غیرنظامیان به مراتب آسیب‌پذیرتر از نظامیان هستند. از سوی دیگر، مقابله‌ی با آنها بسیار دشوار و دسترسی به آنها فوق‌العاده آسان است و به این سبب به آن لقب «سلاح فقرا» داده شده است.

اولین توافقنامه‌ی بین‌المللی منع کاربرد سلاح‌های شیمیایی به سال ۱۶۷۵ میان فرانسه و آلمان در استراسبورگ به امضاء رسید. در طول دو‌یست سال پس از آن با روند صنعتی شدن و پیشرفت فناوری شیمیایی امکان توسعه‌ی سلاح‌های شیمیایی در سطح وسیع فراهم آمد. در سال ۱۸۷۴ کنوانسیون بروکسل در مورد قانون و عرف جنگ تصویب شد. این کنوانسیون استفاده از سم یا سلاح‌های سمی و نیز کاربرد تسلیحات، پرتابه‌ها و یا موادی به منظور ایجاد درد و رنج غیر ضروری را ممنوع اعلام کرد. هراسی که از جنگ‌افزارهای شیمیایی در طول جنگ جهانی اول تجربه شد سبب گردید کشورهای دنیا تصمیم بگیرند کاربرد مواد یا سلاح‌های شیمیایی برای همیشه در جنگ ممنوع شود. قلمرو ممنوعیت سلاح شیمیایی نه تنها استفاده، بلکه شامل تولید، انباشت و گسترش آن نیز می‌شده و متضمن انهدام سلاح‌های شیمیایی موجود نیز می‌باشد.

براساس شق (۱۷) بند (ب) ماده (۸) اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی استفاده از سموم یا سلاح‌های سمی ممنوع شده است. نخستین بار که کشور آلمان در سال ۱۹۱۵ میلادی از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد، جامعه بین‌المللی یک‌صدا این عمل را نکوهش





و محکوم نمود. (ممتاز، ۱۳۹۰: ۱۶) همین دلیل در ماده (۱۷) عهدنامه‌ی صلح ورسای در ۱۹۱۹ مقرر شد «استعمال گازهای خفه کننده، مسموم و شبیه آن، و کلیه‌ی مایعات و مواد مشابه آن ممنوع است». در مقدمه پروتکل ژنو ۱۹۲۵ نیز استعمال سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک مورد تنفر افکار عمومی دنیای متمدن اعلام شده، و ممنوعیت به کارگیری آنها مطابق وجدان و رویه‌ی معمول ملل دانسته شد. (ممتاز، ۱۳۹۰: ۱۶) وضعیت در مورد سلاح‌های شیمیایی نسبت به سایر سلاح‌ها قاعده‌مندتر است. (شفیعی بافتی و هنجنی، ۱۳۹۲: ۱۶۰)

سم به معنای هر ماده‌ای است که اگر در بدن موجود زنده به ویژه انسان یا حیوان به کار گرفته شود، باعث بیماری یا مرگ وی می‌شود. مرتکب باید ماده یا سلاحی را به کار گیرد که در نتیجه‌ی به کارگیری آن، ماده‌ی دیگری متصاعد می‌شود؛ ماده‌ی جدید به گونه‌ای است که در مسیر طبیعی حوادث از طریق خواص سمی آن موجب مرگ یا صدمه‌ی شدید به سلامت می‌شود. (کیتی چایساری، ۱۳۸۹: ۲۵۹) در اثر تماس مستقیم این مواد با هر قسمت از بدن جاندار، بدن وی آلوده شده و جاندار به انواع بیماری‌های عمومی و یا انحصاری آن ماده مبتلا می‌شود. این مواد می‌توانند به صورت جامد، مایع و یا گاز استفاده شوند.

سلاح‌های شیمیایی از سه نوع جامد، مایع و گاز تشکیل شده‌اند. (www.britannica.com) از نوع جامد آن در ارتفاعات و در مناطق برفی استفاده می‌شود و این گونه بمب‌ها با آب شدن برف در آن حل شده و پایین می‌آیند و در نهایت به مسمومیت افراد زیادی منجر می‌گردند. از انواع مایع آن برای حل کردن در آب رودخانه‌ها و منابع آبی استفاده می‌شود. نوع گازی آن نیز از بقیه‌ی انواع آن پرکاربردتر و در مناطق مختلف، به ویژه مکان‌های وسیع و باز، استفاده می‌شود.

بنابراین برای تحقق رکن مادی جنایت جنگی به کارگیری سلاح‌های شیمیایی، اولاً مرتکب باید ماده یا سلاحی به کار برده باشد که ماده‌ی جدیدی با استفاده از آن آزاد شود؛ ثانیاً این ماده به گونه‌ای است که با گذشت زمان به واسطه‌ی خواص سمی خود، به مرگ یا صدمه‌ی جدی نسبت به سلامتی فرد منتهی شود؛ ثالثاً مرتکب، با آگاهی به اوضاع و





احوال عینی موجبِ مخاصمه‌ی مسلحانه، مرتکب جنایت شده باشد. (دورمن، ۱۳۹۳: ۴۰۰) هرچند در مذاکرات مقدماتی، وصف «جدی» برای صدمه مباحثی در پی داشت ولی در نهایت نسبت به آن وفاق عمومی حاصل شد. به هر حال، باید خواصِ سمی جنگ‌افزار منجر به مرگ یا آسیب جدی شود تا رکن مادی این جنایت تحقق یابد. به کار بردن سلاح‌های شیمیایی علاوه بر مخاصمات مسلحانه‌ی بین‌المللی در مخاصمات داخلی نیز ممنوع است. (Henckaerts, 2005: 256) به بیان دیگر، این ممنوعیت از این جهت که شامل اعضای کنوانسیون و غیر آن می‌گردد، مطلق، و به این اعتبار که مشتمل بر منازعات داخلی و بین‌المللی است عام به حساب می‌آید.

پیرامون رکن روانی به کارگیری سلاح‌های نامتعارف، به‌طور کلی، و به کارگیری سلاح‌های شیمیایی، به‌طور خاص، باید گفت که از جرایم عمدی هستند. به این مسأله در فقره (۴) بند (ب) ماده (۸) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به‌گونه‌ای روشن پرداخته شده است. استفاده از واژه «عمد» نشانگر لزوم سوءنیت یا قصد مجرمانه است. (خالقی، ۱۳۹۴، ج ۲: ۱۷۵) قابل یادآوری است با توجه به فقره‌ی یاد شده، برای تحقق رکن روانی تنها عمد مرتکب در فعل کافی نیست، بلکه باید بداند که چنین حمله‌ای آسیب‌هایی را متوجه غیرنظامیان یا محیط زیست خواهد کرد، به بیان دیگر علاوه بر عمد در فعل باید از آثار زیان‌بار آن، یا اوضاع و احوال، نیز آگاهی داشته باشد.

۲-۱-۲. سلاح بیولوژیک (میکروبی)

استفاده از ویروس‌ها و تغییرات بیولوژیک موضوع ماده (۱) که برای کشتار جمعی استفاده شده و موجب رنج غیرضروری در افراد هدف می‌شوند، زیر مجموعه‌ی سلاح‌های میکروبی هستند. در خصوص این دسته از سلاح‌های کشتار جمعی، در سال ۱۹۷۲ کنوانسیون منع استفاده از سلاح‌های بیولوژیک تصویب شده است. قدرت تخریبی و حمله‌ی میکروبی این نوع جنگ‌افزار چندین برابر سایر سلاح‌های ممنوع است. یک حمله‌ی میکروبی که در آن به اندازه‌ی سی کیلوگرم از باکتری سیاه زخم استفاده شده باشد می‌تواند بیست تا هشتاد هزار کشته برجای بگذارد؛ در حالی که یک حمله‌ی اتمی با قدرت بیست میلیون تُن فقط چهار هزار کشته برجای می‌گذارد. (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲:





(۵۱) در سال ۱۹۲۵ استفاده از این نوع تسلیحات در سطح بین‌المللی توسط موافقت‌نامه‌ی ژنو ممنوع شد. مجمع BWC در سال ۱۹۷۲ ممنوعیت فوق را توسعه داد و از آن تاریخ حتی نگهداری، حمل و نقل کلیه‌ی محصولات این چنینی ممنوع شد.

بزرگ‌ترین مشکل سلاح‌های میکروبی، کندی اثر گذاری آن‌ها بر نیروهای دشمن است. این سلاح‌ها برای تأثیر گذاری به چندین روز وقت نیاز دارند و بر خلاف حملات هسته‌ای یا شیمیایی، بلافاصله نیروی مقابل را متوقف نمی‌کنند. این سلاح‌ها به عنوان یک سلاح راهبردی می‌توانند شرایط سختی را پدید آورند زیرا پس از استفاده، عملاً جلوگیری از انتشار آن در میان افراد دشمن و حتی نیروهای خودی غیرممکن است، به خصوص اگر طرف مقابل نیز اقدامی تلافی‌جویانه انجام دهد.

استفاده از سلاح‌های میکروبی اقدام جدیدی نیست، پیش از قرن بیستم این سلاح‌ها به سه صورت وجود داشت: زهر آلود کردن غذا و آب افراد با یک ماده آلوده، دوم استفاده از موجودات میکروسکوپی، داروهای سمی یا جانوران کشنده در سلاح‌هایی که به کار گرفته می‌شدند، و سوم استفاده از بافت‌ها و پارچه‌های آلوده. (www.military.ir)

عوامل بیولوژیک به وسیله‌ی مهماتی که عامل بیولوژیکی درون آن‌ها قرار گرفته‌اند، به منطقه‌ی مورد نظر با هواپیما و یا حیوانات و پرندگان منتشر می‌شوند که از طریق هوا، آب، غذا، لباس، بستر خواب، فضولات اشخاص، حیوانات و حشرات منتقل می‌شوند. ارتش انگلستان نیز دست کم یک بار «آبله» را به عنوان سلاح میکروبی به کار برده است، آن‌ها پتوهای آلوده به این میکروب را در جنگ پانتیک در سال ۱۷۶۳ در اختیار سرخ‌پوستان آمریکایی قرار دادند. ساکنان بومی کالیفرنیا نیز دسته‌های گل پیچیده شده در برگ‌های بلوط سمی را به عنوان هدیه به اهالی اسپانیا دادند. هرچند مقدار اولیه‌ی عامل میکروبی کم است ولی منطقه‌ای وسیع را در بر می‌گیرد و آثار آن دیر آشکار شده و در همه جا راه پیدا می‌کند. آشکارسازی عوامل میکروبی کار دشواری است. این خصوصیت، جنگ‌افزارهای میکروبی را در قلمرو سلاح‌های غیرتبعیض‌آمیز قرار می‌دهد که براساس قواعد عرفی و هم‌چنین بند (۱) و (۲) ماده ۸ (۲) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ممنوع اعلام شده است. استفاده از این نوع جنگ‌افزارها حمله علیه افراد و اهداف غیرنظامی به حساب می‌آید و





دارای فایده‌ی نظامی ملموس و مستقیم نیست. به‌طور کلی، ممنوعیت استفاده از سلاح‌های بیولوژیک از دو منظر ایجاد درد و رنج غیرضروری و نیز تأثیراتی که به شیوه‌ای غیرتبعیض آمیز بر جمعیت غیرنظامی می‌گذارند را می‌توان مطالعه کرد.

رکن روانی استفاده از این نوع تسلیحات متشکل از قصد و علم است. بنابراین باید استفاده از این نوع تسلیحات بیه‌طور عامدانه بوده و مرتکب نسبت به آثار زیان‌بار آن آگاهی داشته باشد. قاعده‌ی عمومی درباره جرایم تحت صلاحیت دیوان با توجه به بند (۱) ماده (۳۰) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی این است که رکن مادی همراه با قصد و علم باشد. چنانکه مطابق بند (۳) ماده‌ی یاد شده، برای تحقق علم «آگاهی از وجود شرایط یا نتیجه که در مسیر طبیعی حوادث اتفاق خواهد افتاد» کفایت می‌کند. بنابراین، استفاده‌ی عمدی از سلاح میکروبی با آگاهی از شرایط موجود و یا نتیجه‌ی طبیعی که در روند حوادث رخ می‌دهد برای تحقق رکن روانی کافی است.

۲-۱-۳. سلاح هسته‌ای

تسلیحات هسته‌ای از سلاح‌های کوری هستند که می‌توانند شهری را مسطح کرده و به تنهایی تخریبی که در اثر هزاران بمب ایجاد می‌شود را به بار آورند. این دسته از سلاح تا مساحتی گسترده سرایت کرده و قدرت تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان را ندارند، حتی بین دولت‌های متخاصم و بی‌طرف تفکیک قائل نمی‌شوند. (دورمن، ۱۳۹۳: ۴۴۱-۴۴۲) به کارگیری این نوع سلاح توسط آمریکا علیه دو شهر هیروشیما و ناگازاکی خاطره‌ای است که یادآوری آن موجب تلخ‌کامی هراسانی می‌گردد.

از امتیازات منحصر به فرد سلاح هسته‌ای خصوصیت دوگانه‌ی آن است. اول اینکه سلاح هسته‌ای دارای چهره‌ی دهشتناک و قدرت تخریبی بالا است. دیگر آن که کاربرد آن به عنوان آخرین ابزار دفاع در مقابل متجاوز است. درست به همین دلیل است که از سلاح هسته‌ای هم در حقوق صلح هم در حقوق جنگ سخن در میان است. (ممتاز، ۱۳۹۰: ۳۳) تردیدی نیست پس از جنگ جهانی دوم، بازدارندگی هسته‌ای به تدریج به صورت نقطه‌ی اتکای صلح و امنیت بین‌المللی در آمده است و میزان زیادی از ثبات در عصر «هسته‌ای» ناشی از توان بازدارنده‌ی این نوع سلاح بوده است. با این حال، بازدارندگی





ناشی از این نوع سلاح دورنمای مطلوبی در پیش رو ندارد و موفقیت آن در جهانی که قدرت‌های هسته‌ای رو به فزونی است با ابهام روبرو است، به نحوی که یک بار فروریزی آن می‌تواند موجب مصیبت بی‌سابقه‌ای برای همه‌ی جهانیان شود. (میرفخرایی، ۱۳۶۹: ۱۱۳-۱۱۵)

منطقه‌ی انفجار بمب‌های هسته‌ای به پنج قسمت تقسیم می‌شود: منطقه‌ی تبخیر، منطقه‌ی تخریب کلی، منطقه‌ی آسیب شدید گرمایی، منطقه‌ی آسیب شدید انفجاری و منطقه‌ی آسیب شدید باد و آتش. (rasekhood.net)

در منطقه‌ی تبخیر، درجه حرارتی معادل سیصد میلیون درجه سانتیگراد به وجود می‌آید و هر چیزی، اعم از فلزات و انسان‌ها، در این درجه حرارت آتش نگرفته بلکه بخار می‌شوند و پنج برابر مرکز خورشید داغ‌تر است. (Encyclopedia Britannica) آثار زیان‌بار این انفجار حتی تا شعاع پنجاه کیلومتری وجود دارد و موج انفجار آن که حامل انرژی زیادی است می‌تواند میلیون‌ها دلار تجهیزات الکترونیکی پیشرفته نظیر ماهواره‌ها و یا سیستم‌های مخابراتی را به چند آهن پاره تبدیل کند و کارکرد همه‌ی آن‌ها را مختل نموده و متوقف سازد. این‌ها آثار ظاهری و فوری بمب‌های هسته‌ای است. پس از انفجار تا سال‌های طولانی تشعشعات زیان‌بار رادیواکتیو مانع ادامه‌ی حیات موجودات زنده در محل‌های نزدیک به انفجار می‌شود و حتی فراتر از این، سلاح‌های هسته‌ای به غذا، اکوسیستم دریایی و محیط زیست آینده خسارت وارد کرده و موجب بیماری و معایب ژنتیکی در نسل‌های آینده می‌شوند. (دورمن، ۱۳۹۳: ۴۳۸)

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۱ در قطعنامه ایرلند به شماره ۱۶۶۵ اهمیت و آثار عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای را یادآور شد. سپس در سال ۱۹۶۸ توسط کمیته هجده نفری خلع سلاح، پیش‌نویس معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای به مجمع عمومی سازمان ملل تسلیم شد. مجمع نیز طی قطعنامه ۲۳۷۳ آن را به تصویب رساند که از





سال ۱۹۷۰ به اجرا درآمد.^۱ (غریب آبادی، ۱۳۸۱: ۲۹) با توجه به اصول حاکم بر حقوق بشردوستانه یا حقوق جنگ، تردیدی نسبت به ممنوعیت سلاح هسته‌ای وجود ندارد و «تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی» نسبت به این نوع جنگ‌افزارها نیز حاکم است. چنانکه به کارگیری آن در هیروشیما و ناکازاکی دلیل قاطعی بر درستی این مطلب است زیرا کشته‌شدگان غیرنظامی این حملات به مراتب بیشتر از نظامیان بوده‌اند.

هرچند با توجه به اظهار نظر قضات دیوان دادگستری بین‌المللی، اجماع و اتفاق رأی نسبت به ویژگی عدم تفکیک سلاح هسته‌ای وجود ندارد، اما برخی از ایشان به صراحت به قاعده ممنوعیت سلاح‌های غیر تبعیض آمیز استناد نموده‌اند. به نظر می‌رسد این قضات، مواضع خود را بر پایه‌ی ماهیت تخریبی شدید این نوع سلاح‌ها، به ویژه تابش پرتوهایی مبتنی کرده‌اند که به شکلی کنترل‌ناپذیر غیرنظامیان و رزمندگان را به‌طور یکسان متأثر می‌سازد. (دورمن و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۴۰)

پرتو رادیو اکتیو از پرتوهای آلفا، بتا، گاما و تابش نوترونی تشکیل شده است. نوع آلفای آن بسیار خطرناک است ولی توان نفوذ اندکی دارد. این پرتو در بافت زنده تنها کمتر از صد میکرون نفوذ می‌کند اما برای آن ویران‌گر است. پرتوی گاما از دیوار و سنگ نیز عبور می‌کند. با توجه به فرکانس بسیار بالا، انرژی زیادی دارد که اگر به بدن انسان برخورد کند از ساختار سلولی آن عبور کرده و در مسیر حرکت خود باعث تخریب دی‌ان‌ای شده و سرانجام زمینه را برای پیدایش انواع سرطان‌ها، سندرم‌ها و نقایص غیرقابل درمان دیگر فراهم می‌کند، نقایصی که به نسل‌های آینده نیز منتقل خواهد شد. بنابراین طبیعت این سلاح کور، آثار بی‌ثبات‌کننده‌ای بر حقوق بشردوستانه، که لزوم رعایت تمایز را در انواع سلاح‌های مورد استفاده مقرر داشته است، برجای گذاشته و رأی راجع به ممنوعیت آن را وجاهت بخشیده است. به بیان دیگر، با توجه به ملاک منع تحمیل درد و رنج



۱. در مقدمه معاهده عدم اشاعه در اهمیت خطرات کاربرد تسلیحات هسته‌ای بیان شده است: با در نظر داشتن انهدام و ویرانی‌ای که در صورت بروز جنگ هسته‌ای دامنگیر این‌ای بشر خواهد شد، و به تبع آن لزوم تلاش حداکثری که برای ممانعت از خطر وقوع چنین جنگ‌ها و اتخاذ تمهیدات لازم برای تأمین امنیت بشریت ضرورت دارد....



غیرضروری یا الزام به تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان، ممنوعیت به کارگیری این نوع جنگ افزارها قابل درک خواهد بود. (خالقی، ۱۳۹۴: ۱۷۳)

اگر چه از کاربرد این قسم از سلاح نامتعارف به صراحت در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی به عنوان یکی از اقسام جنایات جنگی نام برده نشده است، ولی براساس بند (۴) قسمت (ب) ماده (۸) اساسنامه رکن روانی به کارگیری سلاح های نامتعارف، شامل عمد در استفاده و آگاهی از میزان آسیبی است که به غیرنظامیان، اهداف غیر نظامی و محیط زیست وارد می شود. این آگاهی مستلزم علم به اوضاع و احوال محیطی و نیز تلفات نسبت به غیرنظامیان است. این آگاهی باید با توجه به بند (ب) فقره (۲) ماده (۳۰) اساسنامه دیوان تفسیر شود که مقرر می دارد «... آگاه باشد که این نتیجه در مسیر طبیعی حوادث پیش خواهد آمد». اگر عدم آگاهی یا اشتباه در شناسایی اوضاع و احوال به حدی باشد که رکن روانی جرم را مخدوش سازد، سبب معافیت از مجازات خواهد شد، نظیر ناآگاهی ناشی از مصرف مواد مسکر یا مواد روانگردان به لحاظ شرایط مربوط به رفع مسئولیت کیفری یا آنکه به اشتباه منطقه ای مسکونی مورد تهاجم با سلاح مزبور، یک منطقه ای نظامی تلقی شود.

۲-۲. سلاح هایی همراه با رنج و درد غیر ضروری

دسته ای دیگر از سلاح های غیرمتعارف که به کارگیری آنها موجب جنایت جنگی می شود، سلاح هایی است که سبب رنج و درد غیرضروری می شوند. این نوع جنگ افزار با اینکه بین اهداف نظامی و غیرنظامی قادر به تفکیک است ولی نسبت به اهداف نظامی از توجیه به کارگیری آنها ناتوان است، مانند گلوله های منبسط شونده و انفجاری. این اصل که تضعیف نیروهای نظامی دشمن باید تنها هدف مشروع جنگ باشد، یک اصل پذیرفته شده در حقوق بین الملل بشردوستانه است که با استفاده از این نوع سلاح ها نقض می شود. این عنوان شامل گلوله های منبسط شونده و انفجاری می شود.

۲-۲-۱. گلوله های منبسط شونده

استفاده از گلوله هایی که به آسانی در بدن انسان منبسط یا پخش می شوند، ممنوع است. به این نوع جنگ افزار، به اعتبار نام محلی که برای اولین بار در آنجا ساخته شد، دام دام نیز



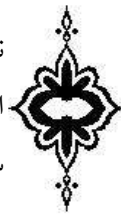


گفته می‌شود. بند (۱۹) ماده (۸) (۲)، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مقرر داشته است «استفاده از گلوله‌هایی که به آسانی در بدن انسان منبسط یا پخش می‌شوند، مانند گلوله‌هایی که دارای پوسته‌ی سختی هستند که تمام هسته را نمی‌پوشانند یا آن‌که شکاف‌های روی پوسته ایجاد شده است». (شریعت باقری، ۱۳۹۳: ۱۳) سرآن این نوع گلوله هنگام اصابت پهن و زخم بزرگی ایجاد می‌کند که باعث ایجاد درد و رنج بیهوده می‌شود، به همین دلیل می‌تواند دارای ممنوعیت باشد.

در رابطه با اینکه «طراحی» یک گلوله‌ی خاص یا «اثر» آن ملاک ممنوعیت باشد، مباحثی زیادی مطرح شده است. نخستین پیشنهاد مبنی بر این که طراحی گلوله به گونه‌ای باشد که «به آسانی در بدن انسان باز شده و یا پخش شود» توسط کمیسیون مقدماتی رد شد زیرا شرط عنصر طراحی در تعارض با اساسنامه تلقی گردید و به جای آن معیار «اثر» به عنوان ضابطه شناخته شد. (دورمن، ۱۳۹۳: ۴۱۵)

از نظر رکن روانی مرتکب باید از این که به کارگیری گلوله‌ها بی‌دلیل جراحت یا درد و رنج را تشدید می‌کند آگاه باشد. در کمیسیون مقدماتی مباحث مفصلی روی این مسأله صورت گرفت که برای ارتکاب این جنایت جنگی، با توجه به انواع مرتکبین، آگاهی شخص باید به چه میزان باشد و کدام دسته از افراد را می‌توان دارای چنین آگاهی‌ای دانست؟ در خصوص لزوم رکن روانی تردیدی وجود ندارد ولی درباره‌ی لزوم آگاهی نسبت به اوضاع و احوال و شرایط لازم مسأله چندان واضح نیست (دورمن، ۱۳۹۳: ۱۷۶)، ضرورت آگاهی از تمام شرایط و اوضاع و احوال با منافع جامعه‌ی جهانی در تعارض است و با توجه به این مطلب برخی چنین آگاهی‌ای را لازم نمی‌دانند. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۷: ۱۳۵)

در کمیسیون مقدماتی عموماً پذیرفته شد که این جنایت توسط افراد زیر انجام می‌گیرد: نخست افرادی که اقدام به توزیع مهماتی می‌نمایند که در تعریف این جنایت توصیف شده است و فرماندهانی که از نوع مهمات مورد استفاده آگاهی داشته‌اند. دیگر سربازانی که سلاح‌های خود را دستکاری کرده و یا می‌دانند که سلاح‌های آنها توسط شخص ثالث دستکاری شده است. فرض وجود آگاهی در سایر حالات مخصوصاً برای سربازان کاری





دشواری است. با وجود این، سربازانی که مهمات استاندارد را از مقامات باصلاحیت دریافت کرده‌اند و نیز سربازانی که با حسن نیت و با این فرض از مهمات مذکور استفاده کرده‌اند که مغایر با حقوق بین‌الملل نیستند، از شمول این جنایت مستثنی هستند. (دورمن، ۱۳۹۳: ۴۱۵)

۲-۲-۲. گلوله‌های انفجاری ۱

استفاده از این نوع گلوله‌ها، که پس از ورود به بدن انسان منفجر می‌شوند، در مخاصمات ممنوع و از مصادیق جنایت جنگی به حساب می‌آید. این اصل که باید تنها هدف مشروع جنگ، تضعیف نیروهای نظامی دشمن باشد، از سال ۱۸۶۸ به بعد در حقوق بین‌الملل بشردوستانه پذیرفته شده است. این هدف با ناتوان کردن جنگجویان دشمن به دست می‌آید، لذا به کارگیری جنگ‌افزارهایی که فراتر از این هدف را دنبال می‌کنند قابل توجیه نبوده و ممنوعیت آن آشکار است. دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۹۶ اظهار داشت این قاعده از اصول تخطی‌ناپذیر حقوق بین‌الملل عرفی است، قاعده‌ای بنیادین که باید توسط تمام دولت‌ها رعایت شود. (دورمن و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۲۸)

ممنوعیت قانونی به کارگیری این نوع سلاح می‌تواند به بند (۲۰) ماده (۸) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مستند شود که اشعار می‌دارد «به کاربردن سلاح‌ها، پرتابه‌ها و مواد و روش‌های جنگی که دارای خاصیت آسیب‌رسانی بیش از حد یا موجب رنج غیرلازم می‌شوند».

رکن روانی این جنایت جنگی، همانند دیگر موارد باید عمدی باشد. علاوه بر آن باید همراه با آگاهی از اوضاع و احوال شرایط گلوله‌های به کار گرفته شده باشد. بنابراین فرد استفاده کننده اولاً باید از ماهیت گلوله‌های به کار گرفته شده آگاهی داشته باشد و بداند که این گلوله‌ها خارج از استاندارد یک جنگ است. ثانیاً آگاهی داشته باشد که از این نوع ابزار جنگی در یک نزاع بین‌المللی استفاده می‌کند.





به طور کلی باید گفت جنایات جنگی که در ماده (۵) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی فهرست شده است از جمله جرایم عمدی هستند زیرا اولاً در بیان هریک از جرایم قرآینی هم‌چون حمله‌ی عمدی، کشتار عمدی، هدایت عمدی وجود دارد که مؤید ادعای فوق است (خالقی، ۱۳۹۴: ۱۷۵)؛ ثانیاً ماده (۳۰) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان یک قاعده بیان می‌دارد «جز در مواردی که به نحو دیگری مقرر شده باشد، هیچ‌کس دارای مسؤولیت کیفری نیست و نمی‌تواند به دلیل ارتکاب یکی از جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان است مجازات شود مگر اینکه رکن مادی جرم همراه با قصد و علم نیز باشد».

۳. به‌کاری‌گیری سلاح‌های نامتعارف از منظر اسلام

میان موازین و مصادیق حقوق بشر مدرن و آموزه‌های اسلامی در حوزه‌ی حقوق جنگ، مغایرت چندانی نمی‌توان یافت. کرامت، حیثیت و منزلت انسان و حفظ محیط زیست در اسلام همواره مورد تأکید قرار داشته و در زمان جنگ و صلح به پاسداشت آن دستور داده شده است.

با توجه به منابع اسلامی می‌توان بر ممنوعیت استفاده از سلاح‌های نامتعارف استدلال کرد. آشکار است که در صدر اسلام و زمان پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و دیگر پیشوایان دینی (علیهم‌السلام)، ابزارهای نظامی و سلاح‌های نامتعارف در شکل امروزی آن وجود نداشته است. به همین دلیل به شکل صریح نمی‌توان نص صریحی نسبت به استفاده از هر یک از این جنگ‌افزارها یافت؛ لکن با بررسی نمونه‌های مشابه و کوچک‌تری که در آن زمان مورد استفاده بوده است، می‌توان به موضع اسلام در این زمینه دست یافت. (یوسف‌وند، ۱۳۹۴: ۴۱) علاوه بر این، می‌توان با مراجعه به لسان ادله‌ی شرعی و با دریافت حکمت و علت ممنوعیت برخی انواع سلاح‌های کشتار جمعی، بر تعمیم و تخصیص آن احکام استدلال کرد. برخی از دلایل و قواعد قابل استناد بر ممنوعیت و جرم‌انگاری به‌کارگیری سلاح هسته‌ای و دیگر سلاح‌های نامتعارف از منظر اسلامی را در ادامه بررسی می‌نماییم.





۳-۱. نهی از هلاکت «حرث» و «نسل»، و افساد در زمین

خداوند متعال در آیه شریفه (۲۰۵) سوره مبارکه بقره می‌فرماید «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ» هنگامی که روی بر می‌گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین کوشش می‌کنند، و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند. از ظاهر عبارت «وَ يُهْلِكُ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ» بر می‌آید که در مقال بیان جمله‌ی پیش یعنی فساد در زمین است، و فساد در زمین به این است که حرث و نسل را نابود کند و اگر تلقی هلاک حرث و نسل به فساد برای این است که قوام نوع انسانی در بقای حیات و غذا و تولید مثل است. برخی از فقهای اسلامی هلاک حرث و نسل را از شدیدترین محرمات دانسته‌اند. (شیرازی، ۱۴۲۰: ۲۲۹) با توجه به آثار مخرب جنگ‌افزارهای هسته‌ای، اثرات غیر قابل انکار تشعشعات پایدار و طولانی مدت این تسلیحات در تغییرات ژنتیکی موجودات زنده، بدون تردید باید آنها را در قلمرو حرمت اهلاک «حرث» و «نسل» قرار داد. همچنین ممنوعیت به‌کارگیری سلاح هسته‌ای از قواعد دیگری مانند اصل تمایز، ممنوعیت کشتن غیر نظامیان و ممنوعیت تخریب اماکن جز در حد ضرورت قابل استفاده است. (زحیلی، ۱۴۰۱: ۱۴۳)

۳-۲. حرمت استفاده از سم در نبرد

در ادله‌ی شرعی، استفاده از سم و مسموم کردن منابع آبی و خوراکی دشمن منع شده است، این ممنوعیت می‌تواند شامل سلاح‌های شیمیایی و میکروبی شود. در روایتی به نقل از حضرت امیرالمؤمنین امام علی (علیه‌السلام) آمده است «أَنَّ النَّبِيَّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ) نَهَى أَنْ يُلْقَى السَّمُّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ»، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) از پاشیدن سم در مناطق دشمن نهی فرموده‌اند. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۱۴۳) اکثر فقها اعم از متقدم و متأخر نهی مذکور در روایت را حمل بر حرمت کرده‌اند، زیرا القای سم در مناطق دشمن سلاح کوری است که مستلزم قتل افرادی می‌شود که کشتن آنها جایز نیست. (نجفی، ۱۴۰۴: ۶۸) به بیان دیگر نمی‌توان اصل تفکیک و تمایز را در کاربرد مواد سمی و مشتقات آن رعایت کرد. اصلی که رعایت آن از نظر حقوق بشر دواستانه‌ی اسلامی کاملاً ضرورت دارد. نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) هرگاه لشکری را به





مأموریتی گسیل می‌داشت دستور می‌دادند «... لَا تَغْلُوا وَ لَا تُمَثِّلُوا وَ لَا تَعْدِرُوا- وَ لَا تَقْتُلُوا شَيْخاً قَانِياً وَ لَا صَبِيّاً وَ لَا امْرَأَةً- وَ لَا تَقْطَعُوا شَجَرًا إِلَّا أَنْ تُضْطَرُّوا إِلَيْهَا». (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۸۵؛ شیانی، ۱۴۱۹: ۱) در راه خدا با کافران جنگ کنید، کودکان، پیران و زنان را نکشید، به آنان خیانت نکنید، آن‌ها را ناقص و مثله نکنید و درختی را مگر در صورت ضرورت قطع نکنید.

با توجه به آنچه که در آموزه‌های اسلامی درباره‌ی ممنوعیت استفاده از سم بیان شده است از یک سو و عدم خصوصیت سم از سوی دیگر، می‌توان با الغای خصوصیت از آن قلمروی شمول حرمت و ممنوعیت آن را به تمام ابزارهای جنگی که از نظر اهداف نظامی قابل توجه نمی‌باشد تسری داد. صیانت از افراد غیرنظامی و یا اصل تفکیک و عدم جواز آسیب رساندن به محیط زیست و رعایت کرامت انسانی^۱ نسبت به ممنوعیت سلاح‌های غیرمتعارف تردیدی باقی نمی‌گذارد.

۳-۳. قاعده حرمت اعتدا

علاوه بر آنچه گفته شد، در ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های نامتعارف می‌توان به قاعده «حرمت اعتدا» استناد کرد. بدون تردید، استفاده از جنگ‌افزارهای نامتعارف یکی از مصادیق آشکار اعتدا است. آیات و روایات متعددی بر حرمت اعتدا دلالت دارد که در این مجال فرصت پرداختن به همه‌ی آنها نیست. از این رو تنها به بیان یک آیه بسنده می‌کنیم، در آیه شریفه (۱۹۰) سوره مبارکه بقره آمده است «وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»، در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند مقاتله کنید و از حد تجاوز نکنید، خداوند تعدی گران را دوست ندارد.

از این آیه می‌توان دو اصل تناسب در تسلیحات جنگی و تفکیک میان افراد نظامی و غیرنظامی مانند کودکان، پیران، بیماران، مجروحان، نیروهای خدماتی، حیوانات و محیط زیست را استنباط کرد و توسل به این تسلیحات را از مصادیق تعدی و تجاوز حرام دانست. (رحمانی، ۱۳۸۹: ۴۵) برداشت مفسران اسلامی از این آیه نیز بر حرمت استفاده از



۱. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِيَّ» در اسراء / ۷۰.



جنگ افزارهای نامتعارف دلالتی آشکار دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴، ج ۲: ۱۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۷۸؛ زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۱۷۹) مقدس اردبیلی در تفسیر این آیه می‌فرماید «شروع کردن جنگ پیش از دشمن، کشتن کافر معاهد پیش از دعوت دشمن به حق و نیز کشتن به شکل ناروا از جمله مصادیق اعتدا است که حرام می‌باشد». (مقدس اردبیلی، بی‌تا: ۳۰۶)

نتیجه‌گیری

کاوش در اسناد بین‌المللی راجع به ممنوعیت و جنایت کارانه بودن به‌کارگیری سلاح‌های نامتعارف نشان می‌دهد که مبنای ممنوعیت به‌کارگیری این نوع سلاح‌ها می‌تواند بر اصول متعددی مانند اصل حمایت از شهروندان و غیرنظامیان و اصل حمایت از محیط زیست متکی باشد. به علاوه عدم مشروعیت استفاده از تسلیحات نامتعارف برخاسته از اصول اخلاقی و انسانی نظیر اصل تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان، اصل منع ایراد و تحمیل درد و رنج بیهوده‌ای می‌باشد که اهداف جنگ از توجیه آن ناتوان است. اصول یاد شده در اسناد مختلف حقوق بین‌الملل به صورت‌های مختلف نمود یافته است که در کل تشکیل دهنده‌ی اصول جامع ناظر بر حقوق جنگ است. برای نیل و دستیابی به این اهداف عالی اخلاقی و انسانی لازم است در عمل گام‌های بلند و استواری در صحنه‌ی بین‌المللی برداشته شود.

از منظر تقنینی عدم کاربرد و ممنوعیت به‌کارگیری انواع ابزارهای جنگی نامتعارف به بندهای متعددی از ماده (۸) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نظیر بندهای (۱۸) تا (۲۰) قسمت دوم پارگراف «ب» مستند می‌باشد. در این بندها به صراحت به کار گرفتن گازهای مهلک، سمی، یا گازهای دیگر و تمامی مایعات، مواد یا ابزار مشابه؛ استفاده از گلوله‌هایی که به راحتی در بدن انسان منبسط یا پخش می‌شوند، مانند گلوله‌های دارای پوشش سخت که به طور کامل قسمت مرکزی گلوله را نمی‌پوشانند یا با ایجاد برش شکافته می‌شوند؛ به کارگیری سلاح‌ها، پرتابه‌ها، مواد و روش‌های رزمی که به طور طبیعی سبب ایجاد جراحات اضافی یا درد غیرضروری شود، یا جنگ‌افزاری که ذاتاً غیرقابل کنترل بوده و





ناقض قوانین بین‌المللی منازعات مسلحانه باشند، مشروط بر آنکه استفاده از آنها به کلی ممنوع بوده و مطابق اصلاحیه‌ی ناظر بر مقررات مندرج در پیوست این معاهده قید شده باشند جرم‌انگاری شده‌اند و به عنوان جنایات در صلاحیت دیوان دانسته شده‌اند.

با توجه به آموزه‌های اسلامی هیچ تردیدی در حرمت و ممنوعیت به‌کارگیری سلاح‌های نامتعارف وجود ندارد، و حرمت کرامت انسانی، اصل حداقلی صدمه و زیان، و بقای نسل بشر را می‌توان به عنوان مبانی، قواعد و دلایلی دانست که این حرمت و ممنوعیت را تأیید می‌کنند.

منابع

قرآن کریم

۱. اردبیلی [مقدس]، احمد، بی‌تا، زبده البیان فی احکام القرآن، تهران، کتابفروشی مرتضوی، بی‌جا.
۲. چایساری، کریانگ ساکتی، ۱۳۸۹ش، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین آقایی جنت مکان، تهران، انتشارات جنگل جاودانه، چ ۳.
۳. خالقی، ابوالفتح، ۱۳۹۴ش، حقوق بین‌الملل کیفری اختصاصی، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چ ۱.
۴. دورمن، کنوت و دوسوالدبک، لویس و کولپ، رابرت، ۱۳۹۳ش، عناصر جنایات جنگی در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، ترجمه زهرا جعفری و زهرا محمودی و پریسا سفیدپری، تهران، انتشارات مجد، چ ۱.
۵. دیهیم، علیرضا، ۱۳۸۴ش، در آمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی، تهران، مرکز چ و انتشارات وزارت خارجه، چ ۲.
۶. رحمانی، محمد، ۱۳۸۹ش، منع استفاده از سلاحهای کشتار جمعی از نگاه مذاهب، پژوهشنامه طلوع، ش ۳۳.
۷. زحیلی، وهبه، ۱۴۰۱ق، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، بی‌جا، دارالفکر، چ ۳.



۸. ———، ۱۴۱۸ق، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه والمنج، بیروت، دارالفکر المعاصر، بی‌چا.
۹. ساعد، نادر، ۱۳۸۶ش، حقوق بشردوستانه و سلاح‌های هسته‌ای، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، بی‌چا.
۱۰. سلیمی ترکمانی، حجت، ۱۳۹۱ش، جرم‌انگاری کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در چارچوب حقوق بین‌الملل بشر محورد در حال ظهور، فصلنامه حقوق کیفری، ش ۱.
۱۱. شریعت باقری، محمد جواد، ۱۳۹۳ش، اسناد دیوان کیفری بین‌المللی، تهران، انتشارات جنگل، چ ۴.
۱۲. شفیع بافتی، نگین و هنجی، سید علی، ۱۳۹۲ش، ابعاد حقوقی بین‌المللی مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی، تهران، نشر میزان، چ ۱.
۱۳. شیرازی، سید محمد حسینی، ۱۴۲۰ق، الفقه البیئه، بیروت، موسسه الوعی الاسلامی، چ ۱.
۱۴. ضیائی بیگدلی، محمد رضا، ۱۳۸۸ش، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، کتابخانه گنج‌دانش، چ ۳۶.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۴ش، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌چا.
۱۶. طوسی، ابوجعفر، ۱۴۰۷ق، تهذیب الأحکام، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چ ۴.
۱۷. عاملی، شیخ حرّ، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق، مؤسسه آل‌البت علیهم السلام، قم، چ ۱.
۱۸. غریب‌آبادی، کاظم، ۱۳۸۱ش، آشنایی با معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، بی‌چا.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۵۴ش، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌چا.
۲۰. میرفخرایی، هوشمند، ۱۳۶۹ش، استراتژی معاصر: نظریات و خط‌مشی‌ها، تهران، دفتر مطالعات و سیاسی و بین‌المللی، بی‌چا.
۲۱. میر محمد صادقی، حسین، ۱۳۹۲ش، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر میزان، چ ۲۳.





۲۲. ———، ۱۳۸۷ش، دادگاه کیفری بین المللی، تهران، نشر دادگستر، چ ۳.
۲۳. نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴ ق، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چ ۷.
۲۴. نجفی ابرند آبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید؛ ۱۳۷۷ش، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، چ ۱.
۲۵. همایون پور، هرمز، ۱۳۶۸ش، بحثی در باب خلع سلاح، تهران، انتشارات آگاه، بی‌چا.
۲۶. یوسف‌وند، محمود، ۱۳۹۴ش، ادله‌ی فقهی منع به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای، فصلنامه حقوق اسلامی، ش ۲.

27. Bantekas, Ilias & Susan Nash, (2007), International Criminal Law, third edition, London: Routledge. Cavendish.
28. Henckaerts, Jean- Marie & Doswald- beck, Louise, (2005), Customary international humanitarian law, Cambridge University Press, vol.1.
29. L. C. Green, 2(010), The contemporary law of armed conflict, second edition, Juris Publishing, Manchester university press.
30. Melissa Gillis, (2012), Disarmament a basic guide, Third edition, United Nations Publishing, New York.
31. www.britannica.com.
32. www.military.ir

